یادداشت

ملامین و حضور هنرمندانه آن در زندگی ایرانی

غزال زارع . پژوهشگر هنر

با نگاهی به اطراف خود خواهیم دید که «اشیاء» جزئی از مصرف روزانه به شمار نمی‌روند؛ بلکه بخشی از تجربه و ادراک نهادینه‌شده در زیست و امر روزمره هستند. با درنظرگرفتن خواص یک شیء، از نظر کاربرد و کیفیت، ارتباط فکری و تحلیلی با همان شیء، خاصیت شخصیت‌سازی برای هر فرد را قوت می‌بخشد.

پس از هر بار مصرف به دقت شسته می‌شود و در جای مناسب خود قرار داده می‌شود؛ اهمیت حفظ باکیزگی و درنظرداشتن تماس بدن با آن. جامعه‌شناسی رابطه ظرف و مظروف و ارتباط دوسویه با بدن را تشریح و تأکید می‌کند. برخی داخل یک ویترین منحصربه‌فرد آن‌قدر خواهند ماند که عملکرد سوژه را بیان خواهند کرد. برخی دست به دست یا کنار شدن علامتی از جنس لاک یا رنگ مصرف بیشتر به خود می‌گیرند. این دست به دست چرخاندن و قرض‌دادن به خاطر به‌جاآوردن مراسم خیر و شادی تا آیین سوگواری است؛ به «دیگرخواهی» بیشتر اشاره خواهد شد.

کاه یک شیء، کاربست خود را با متغیرهای رفتاری و عاطفی تا عقبوتی تغییر خواهد داد.

اغلب بشقاب‌ها به دیوار کوبیده خواهند شد یا در نهایت زیگدالتی یا کنار سینک و کاز آشپزخانه حالتی دیگر به خود می‌گیرند. بشقاب بیشترین کاربرد و اهمیت را در فرهنگ ملل داشته است. تناسب با دست انسان و غذا باعث تولید و طراحی بیشتر و افزایش سطح عرضه و تقاضا بوده است.

بشقاب همان قالب خالی است که چه پر شود و چه خالی، باز هم به علت قرارگرفتن در میان دو دست و زیر افق نگاه ما ارتباط و تاثیرپذیری بیشتری را با مصرف‌کننده معنی خواهد کرد. عرکیب لیوان انگشت‌ها حی است؛ اما به فعالیت‌های روزانه کاربرد کاری. آرتشاب، طراحان لباس و با ابعد مهمترِ رایانه‌ای مانند تلویزیون و سینما که دیدهای وسیع برای انتقال سلیقه و اعلام حرف و لحن جدید بود. دانست. مجله‌های فرنگی هم به نوبه خود باعث اشاعه فرهنگ جدید در امر رسانه بود.

تولیدکنندگان ظروف ملامین از نقوش و ظروف چینی و فرانسوی بیشترین ایده را می‌گرفتند و طراحان و هنرمندان خودآموخته و تجربی با تحلیل‌کرده را به کار می‌گرفتند تا بتوانند کمی از نمونه‌های چینی و کریستال را طراحی و اجرا کنند تا بیشتر مورد پسند مردمی قرار گیرند که تا آن زمان از طرفِ چینی ماندند یک شیء، مهوّای و خارج از دسترس روزانه بود است. استفاده می‌گردانند.

هرچند در گذراوری اطلاعات شفاهی، بیشتر گرافیست و طراحان وابسته به این دوره را پیدا نکردم؛ اما در گفت‌وگو با آنها متوجه شده که سفارش‌هایی که برای طراحی نقوش ظروف می‌گرفته‌اند، منحصر به ظروف نبوده و در چاپ منسوجات و تبدیل آنها به کاغذ دیواری، پوشاک و کیف و کفش هم می‌شده است.

هنرمندان نقاش هم که بیشترین نقش را در روند طراحی این نقوش داشته‌اند و البته به تأکید و اصرار خودشان ناشی در این گفتار از آنها آورده نشده است، به کمی از نمونه‌های ایتالیایی و ادغام آن با موتیف و نگاره‌های ایرانی به نقش‌اندازی می‌پرداخته‌اند.

تعداد محدودی از هنرمندانی که نگارگر بوده‌اند با طراحی فرش و پارچه کار می‌کرده‌اند و تحرّکِ آنها بر فرهنگ عامه بود. به‌این‌ترتیب به جای یک اثر تعدد ساختاری از ایده خود را وارد میان مردم ایران و خارج از ایران می‌کردند. متأسفانه به جهت نداشتن امضا بر بشقاب‌ها و تولید بی‌شمار ظروف ملامین و حضور بسیاری از هنرمندان در کارگاه‌های تولید، هیچ سند مکتوبی درباره حالقان این نقوش نیست... .

سبک کلدار یا به عبارتی کلَن‌گَنگی که شامل انواع گل، جوکان‌بازی، تذهیب و منظره‌های اروپایی می‌شد، باعث پیدایش و شکل‌گیری سبک منحصربه‌فردی بین هنرمندانی بود که سال‌ها برای این صنعت کار کردند. هر بشقاب خود یک رسانه به حساب می‌آمد و دیگر یک ظرف مصرفی نبود. به‌این‌ترتیب تاثیرگذاری تجسمی بر جامعه و یک ملت از طریق این ظروف یک دوره‌های درخشان ایران در عصری است که بتوشیمی و صنعت نفت رو به گسترش است.

فرانک آرتا

مدیران میانی مدام در حال رقابت منفی بودند

گفت‌وگو با محمد سرافراز، رئیس اسبق صداوسیما درباره جایگاه فعلی تلویزیون

دوروبر رئیس صداوسیما را شلوغ می‌کنند

اخیراً بیمان جبلی به عنوان رئیس صدا و سیما مشغول به کار شده است. اولین از مدیران محمد سرافراز ،رئیس اسبق صدا سیما بود که مورد توجه او قرار گرفت به بهانه انتصاب آقای جبلی با دکتر محمد سرافراز درباره وضعیت صداوسیمای فعلی به گفت‌وگو نشستیم.

◀ بعد از استعفای جنجالی‌تان، آقای علی‌عسگری به‌عنوان ریاست صداوسیما جایگزین شما شد. باوجود رؤسای قبلی ایشان فقط پنج سال عهده‌دار سازمان بودند. تحلیل شما از مدیریت آقای علی‌عسگری چیست؟

اولیس نکته که در همان ماه‌های اول بعد از رفتن من خیلی تعجب‌برانگیز بود و به شکل‌های مختلف بازتاب داشت و حتی بین همکاران سازمان گفته می‌شد این بود که مدیریت جدید سازمان آمده و به قولی «control» بر اتفاقات گذشته زده است؛ هدفشان این بود که کارهای ما را به گذشته برگردانند.

◀ به نظر شما چرا؟

خب ما سعی کردیم ساختار سازمان را جمع‌وجور کنیم تا بتوانیم بهتر و راحت‌تر مدیریت کنیم. چون معتقدم اول از همه مهم است که سازمان بتواند خودش را درست مدیریت کند. برای این کار به جایگ‌سازی و اصلاحات ساختاری در سازمان نیاز داشتیم که برخی از معاونت‌ها را ادغام و برخی از بخش‌ها را کوچک کردیم. مدیریت‌هایی را که در مجموعه تعدادشان زیاد بود، کاهش دادیم که ظاهراً به مذاق خیلی‌ها خوش نیامد!

◀ به نظرم بزرگ‌ترین ضربه را بابت کوتاه‌کردن دست برخی مدیران خوردید. نظرتان چیست؟

صداوسیما بیش از سه هزاربست مصوب داشت که تیم کارشناسی بررسی کرد که تعداد زیادی از آنها برای سازمان ضروری نیست. البته من همیشه گفته‌ام ۸۰۰ پست مدیریتی کم کردیم. اما بیشتر این مدیریت‌ها در بست‌های مشاوره‌ای و «ستادی» بود. در حوزه مدیریت‌های برنامه‌ساز و «صف» خیلی کم ادغام و کوچک‌سازی انجام شد. ستاد جای پشتیبانی و تدارک است و صف خیلی تولید. ما در حوزه تولید چیزی را کم نکردیم. مثلاً الگوی نیروی انسانی را اصلاح کردیم. ۱۱ هزار الگوی نیروی انسانی را کاهش دادیم و به نیروی انسانی که قراردادی و رسمی بودند.

◀ در حوزه مالی دست چه کسانی را کوتاه کردید؟

در حوزه مالی گفتیم باید همه‌چیز شفاف باشد. در حوزه نظارتی باید نظارت «روندی» باشد و نظارت «مقطعی» جوابگو نیست. در حوزه مالی معتقد بودیم گردش مالی برای تصویب کارها و اجرایش با زودبند انجام نشود و باید مبتنی بر عدالت باشد تا همه بتوانند نقش داشته باشند. ما کارهای پایه‌ای را اصلاح کردیم. روند قرارداد تولید برنامه‌سازی‌ها را اصلاح و آیین‌نامه‌هایی را که کلی ایراد داشت، مرتفع کردیم که این روند در روزهای اولیه مدیریت آقای علی‌عسگری خیلی سریع به شکل اولیه برگشت!

◀ به نظرتان این برگشت کارشناسی‌شده صورت گرفت یا از روی لجبازی؟

به نظرم لجبازی نبود؛ چون به نظر می‌رسید هیچ کار کارشناسی نشده است. مثلاً قبل از ریاست من معاونت فضای مجازی داشتیم که خودجی‌اش خیلی کم بود. قرار بود جزیره‌ای به نام IPTV درست کنند البته آنها اسمش را MEDIA ID گذاشته بودند. آقای عسگری آن زمان معاون فضای سازمان بودند و اسمش را گذاشته بودند IPTV و معاونت مجازی هم می‌خواست جزیره درست کند و اسمش را گذاشته بودند IP MEDIA. هیچ‌کدام این دو به نتیجه نرسید؛ من در مورد IPTV توضیح دادم که ۱۰ میلیون بیورو تا آن زمان هزینه شده و هیچ خروجی‌ای نداشت و تا امروز هم ندارد! سوءرمای زیادی خریداری شده و نمی‌دانم چه سرنوشتی پیدا کردند! تعدادی وب‌سایت درست کردند. اینها چون درست پایه‌گذاری نشده بود و با حوزه تولید و برنامه‌سازی در شبکه ارتباط مستقیم و تشکیلاتی نداشت معلوم نبود چه می‌کند. برای خودش یک چیزهای ضعیفی تولید می‌کرد و خیلی راحت هم محو شد. در دوره آقای علی‌عسگری این مدیریت‌ها برای ادغام و کوچک‌سازی مدیران را دوباره برگرداندند.

◀ خب این معاونت مجازی چه خروجی دارد؟

اتفاقاً این سؤال هم برای من مطرح است که البته معاون مجازی یک‌بار هم مصاحبه نکرده که ببینیم چه کارهایی کرده است! حداقل خوب بود برای افکار عمومی روشنگری کند که نکرد!

◀ ضرورت وجود IPTV در زمان شما چه بود؟

IPTV یانظرفی است که الان از دور خارج شده و جمع خورونی شده. در اوایل دهه ۱۰ سال قبل بابت جزیره خالصت IPTV این بود که شما می‌توانید تمام شبکه‌های تلویزیونی را از طریق سیم تلفن یا اینترنت- البته آن زمان قرار بود از طریق سیم تلفن ثابت اعمال شود- در اختیار همه بگذارید. امتیاز این بود که مخاطب هر زمان هر برنامه‌ای خواهد ببیند، خودش می‌تواند وارد سیستم شود و چون آرشیو دست همه را ببیند، این امتیازش نسبت به بخش زنده بود. اگر آن زمان این کار انجام می‌شد خیلی پیشرو بود. هم شبکه‌ها آنلاین بودن می‌شد. هم کل آشوبی آقایان در اختیارش قرار می‌گرفت. ضمن اینکه پلتفرمی بود که شما می‌توانستید بی‌نهایت سرویس‌های دیگری در کنارش داشته باشید. مثل سریال‌های قدیمی، فیلم‌های سینمایی و... که مخاطب می‌توانند انتخاب کند.

◀ مثل تلویزیون‌های کابلی که باید ازسوی مشترک هزینه داده شود؟

قرار بود هزینه مختصری گرفته شود. بر سر هزینه بحث بود؛ اما هزینه روی دستگاهی باشد که مردم می‌خرند یا هزینه جاری. البته اگر هم هزینه جاری بود خیلی مختصر بود. بعد از IPTV، OTTP آمد که سرویس‌های خیلی گسترده‌تری را ازطریق اینترنت ارائه می‌دهد؛ یعنی به لنقه سرویس‌های رادیو تلویزیونی، بلکه بسیاری از چیزهای دیگری را می‌توانستید از این سرویس بگیرید؛ از ترافیک شهر تا مراکز خرید و...

◀ یعنی چیزی مثل Waxe؟

بله. تلویزیون تا دهه ۷۰ اگر هم این کار را انجام می‌دهد؛ یعنی ازطریق اینترنت هم بخش زنده شبکه‌ها هم آرشیوِ را دارد. ولی این هم مربوط به بخش خصوصی بود؛ یعنی چیزی بود که سازمان به نوعی ملاکیتش را در اختیار گرفت و خرید. هر معاونت و مجموعه سازمان نبود که آن را اجرا کند. ملاکِ یکی از شعارهای ما صرفه‌جویی در هزینه‌ها بود که آن هم به محاق رفت؛ بخش دیگر هدف ما این بود که درواقع سازمان باید واقعی و درآمدهای پنهان. اکنون شاید گفته به جای خودش توضیح داده شود. فقط بعدی در اصلاح ساختار این بود که روندها و فرایندها در تولید اصلاح و دیگر اینکه روند نظارت اصولی شود.

◀ توقع شما از آقای علی‌عسگری چه بود؟

حداقل توقع از جناب علی‌عسگری در سازمان این بود که چون تلویزیون مدت طولانی مدیران قدیمی

عکس: مهبد تاکی، شرق

سازمان صداوسیما را بر عهده داشتند در همان حوزه فنی کارهای بزرگ و موفقی می‌کردند که نکردند و من این بخش IPTV را توضیح دادم که بعد از ما هم دوباره در این زمینه کارهایی انجام شود اما به نتیجه نرسیدند؛ مثلاً کارهایی که باید در این پنج سال می‌کردند و موفق می‌شدند کارهایی بود که در همان دوره معاونت ایشان هم پایه‌گذاری شده بود. مثلاً اینکه صداوسیما بتواند «ماهواره اختصاصی» برای خودش داشته باشد به بودجه ۲۵۰ میلیون دلاری را مجلس خیلی سال‌های قبل برای این پروژه مصوب کرده بود که این پروژه هنوز به نتیجه نرسید و سرنوشتش همچنان نامعلوم است؛ در حوزه وب باید تعداد قابل توجهی وب‌سایت درست می‌کردند که برمخاطب و جذاب باشد و بتواند تولیدات رادیو و تلویزیون را در آن مجموعه‌ها بخش کند که متأسفانه در این حوزه هم کاری صورت نگرفت. در حوزه شبکه‌های اجتماعی و پیامرسان‌ها قرار بود از گذشته کارهایی انجام دهند و سازمان کاری را ارائه کند که آن را هم نتوانستند؛ یک دوره روی پیامرسان «سروش» خیلی سرمایه‌گذاری کرد ولی نتوانستند با تلگرام رقابت کند.

◀ البته مردم استقبال نکردند.

به این دلیل که سرویس‌های خوبی ارائه نشد! خیلی ضعیف‌تر بودند.

◀ یکی از استدلال‌ها این بود که مردم دوست ندارند اطلاعات شخصی‌شان را به این پیام‌رسان‌ها بدهند.

البته در فضای مجازی هرکس پلتفرم، شبکه اجتماعی یا پیام‌رسانی را می‌اندازد به اطلاعات مردم دسترسی دارد. حالا همه کسانی که در اینترنت شعار می‌دهند، همه کسانی که برنامه‌نویسی می‌کنند به اطلاعات مردم دسترسی دارند. مهم این است که آیا کسانی که به این اطلاعات دسترسی دارند می‌خواهند از آنها سوءاستفاده کنند یا نه. می‌خواهند در اختیار دیگران قرار دهند یا نه. این نکته مهم است.

◀ آقای علی‌عسگری که منصوب آقای مهندس ضرغامی بود درزمان شما تغییرسیاست پیدا کرد...

زمانی که ریاست را به عهده گرفتم آقای اخوان را به عنوان قائم‌مقام در حوزه فنی گذاشتم و عملاً معاونت آقای علی‌عسگری حذف شد.

◀ فکر نمی‌کنید همین نکته باعث دلخوری ایشان شده است؟

احتمالاً. درکل در حوزه وب، رسانه‌های نوین، شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها، حوزه ماهواره در هیچ‌کدام از این حوزه‌های مختلف هیچ کار قابل عرضه مطرحی ارائه نشد! این نکته مهمی است حداقل انتظار این بود که در این حوزه‌ها کاری صورت بگیرد.

◀ در معاونت مالی چه کردید؟

ما معاونت مالی را با معاونت برنامه‌ریزی باهم ادغام کردیم. چون کار برنامه‌ریزی این بود که تمام برنامه‌های الف، ب، ج و د را که شبکه‌های رادیو تلویزیونی قرار است تولید کنند، مشخص کند و بودجه بگذارد و معمولاً هم می‌گفتند سازمان بودجه کم دارد و همیشه بین معاونت مالی و اداری و معاونت برنامه‌ریزی بحث و جدل بود. اینها می‌گفتند این کار فلان مقدار پول می‌خواهد. آنها می‌گفتند نداریم و اگر بر سر هم حرف معاونت مالی و اداری به کرسی می‌نشست، چون پول نه تنها بود، ما گفتیم که تمام این پو به این شکل مجبرا صورت ندارد و ادغام شدند.

◀ برای اینکه کارها زودتر عملیاتی شود؟

بله و اینکه بخش بزرگی از انرژی سازمان سر دعوا و درگیری صرف نشود. چون مدیران میانی مدام در حال رقابت منفی بودند که مثلاً اینجا باید این پروژه تولید کند و باید بیشتر پول دهید. به یک جیل می‌دادند و به ۱۰ جا اعتبارات نمی‌دادند و یک رقابت منفی به این صورت در سازمان ایجاد ایجاد می‌کنند و با بخت‌آزمایی از آنها بازتاب داشته باشند. این شبکه خیلی پرمخاطب شد. من هرچه به مرکز نظرسنجی سازمان می‌گفتم نظرسنجی سازمان را در بومی‌سازی صداوسیما سابقه ندارد که تا این حد دستش جزء پرمخاطب‌ترین شبکه‌ها شود.

◀ هنوز هم اعتقاد دارم که بهترین شبکه سیما «آی‌فیلم» است.

فوت کوزه‌گری درد که من یک بار آن را به آقای ضرغامی توضیح دادم. این‌قدر بازتاب گسترده بود که خودمان متوجه بودیم یک بار هم خودمان در بومی‌سازی نظرسنجی کردیم و دیدیم جزء سه شبکه پرمخاطب صداوسیماست که من دلیلش را به آقای ضرغامی توضیح دادم. گفتیم شما این شبکه را بعد از شبکه «نمایش» و «تماشا» راه انداختید ولی هیچ‌کدام از آنها نتوانست جایگاه «آی‌فیلم» را بگیرد.

◀ به نظر شما چرا «آی‌فیلم» موفق‌تر است؟

برای اینکه می‌خواستند جای «آی‌فیلم» را بگیرند و شبکه نمایش و تماشا راه انداختند. به تمام شبکه‌ها گفتند سریال بخش کنید. از شبکه قرآن تا بهداشت همه شروع به پخش سریال کردند. اما هیچ‌کدام جای «آی‌فیلم» را نتوانست بگیرد. آنجا یک فوت کوزه‌گری بود. گفتم چه کنار آنجام دادید اولاً به مخاطب احترام می‌گذاشتید. مثلاً پخش سه ساعت سریال‌ها را پخش می‌کردید. دوم اینکه به مخاطب احترام گذاشتید و ایلیکیشنی درست کردیم و برنامه‌ها را آنجا معرفی و اعلام می‌کردیم و داخل شبکه هم این کار را می‌کردیم. دیگر اینکه سریال‌ها را تقسیم‌بندی کردیم. گفتیم یک بخش حالت نوستالژیک دارد. سریال‌های ۴۰ - ۳۰ کل گذشته در سازمان بخش بود. چون به یک جایگاه تعیین کردیم و بخش کردیم. همین کار خیلی طرفدار پیدا کرد. شبکه‌های که مثلاً از ۲۰ تا ۱۵ تا ۱۰ سال گذشته بخش نشده بود و در بایگانی سازمان بخش شد. درواقع یک جور تقسیم‌بندی کردیم. سریال‌های تاریخی را مثل فیلم سینمایی بخش کردیم یعنی مثلاً سریال حضرت یوسف. در آی‌فیلم خیلی بیشتر دیده شد تا سیما. چون آنها هفتگی پخش می‌کردند و ما روزانه و یا دوروز یا دوروز و مثلاً فیلم شد مثل سریال «حضرت یوسف (س)» یا سریال «مختار» و بعد اینها را دوتا یکی کردیم و مثلاً فیلم سینمایی بخش شد. این کاری بود که تعداد مخاطبان را خیلی بالا برد. بین سریال‌ها چیزهایی پخش کردیم که همه‌شان مربوط به فیلم و سریال بود.

◀ نکته مهم‌تر که شبکه را سیاسی نکردید!

بله و کاری که کردیم این بود که برای هنرپیشه‌های مطرح مثل آقای عبدی با زحمت زیاد اتیمی در پنج دقیقه تهیه و بهترین کارهایش را معرفی کردیم. یا موسیقی سریال‌ها را که کل کره بود پیدا کردیم. بهترین صحنه‌های سریال‌ها را پخش کردیم. یک بخش دیگر پخش صحنه‌ها یا تحلیل دانیم. یعنی این بخش‌ها در سریال هرچه بخش کردیم که جدید و اینکاری بود. یعنی نه تنها سریال‌ها خوب پخش شد، بلکه با بهترین کیفیت پخش کردیم و همین‌طور مثل فرغون سریال را روی آنتن شبکه نریختیم. الان می‌بینید سریال‌ها یک یا دو روز که پنجشنبه و جمعه باشد تکراری پخش می‌شود که اشتباه است و من هنوز منطق این کار را نفهمیدم. چون در پنجشنبه و جمعه مردم بیشتر دقت دارند. درحالی‌که ما این کار را نمی‌کردیم و هر روز سریال پخش می‌کردیم.

◀ البته مدت‌ها سریال جدید بدون فاصله در شبکه‌ها پخش می‌شود. چیزی که قبلاً این‌طوری نبوده.

بله. متأسفانه صداوسیما آن‌قدر وارد مسائل سیاسی و جناحی شد، و نگاه سیاسی‌اش در تمام مناسبات به‌خصوص شبکه نمایش هنری و فرهنگی‌اش رخنه کرده که قابل جبرجبرانی نیست. مثلاً در حوزه سوءسازی هست وقتی بیشتر که ۱۵۰ سریال تولید می‌کنیم و اینکه روند ایجاد کردیم و به همه کارکردها و هنرپیشگان کار دادیم. یعنی دیدم چند کار در سریال‌های خانگی ساخته شد و گوی سبقت را از سریال‌های صداوسیما گرفت و همین الان که باید سریال‌های دوره اوج فاعگری پخش شود. بعد از محرم و صفریکی از فصل‌های است که صداوسیما هرچه کار خوب دارد و می‌کند. چون هم رابع و مولد بیامبر است و بعد از دو ماه کار سخت و عزاداری، با محدودیت‌های محدودیت‌ها نباشد و این افراد هم انگیزه داشته باشند. در استان‌ها کارش‌های تحقیقی خوبی پخش شده است.

◀ اما تندیل به جریان نشد!

بله موردی بوده. به‌دلیل محدودیت‌های صداوسیما با دخالت‌ها از بیرون که باعث شده برندی که مدنظر شما هست شکل نگیرد.

◀ آقای بیمان جبلی از مدیرانی بود که شما منصوب کردید و الان صحبت این است که امتداد نگرش آقای سرافراز است. آقای جبلی چه خصوصیتی داشت که درپخش خبر آوردید؟

در دوره مسئولیتم، تلاشم این بود که همه مدیران و معاونان سازمان را از مجموعه‌هایی که در همان حوزه کار کرده‌اند انتخاب کنم که به‌طور نسبی موفق بودند. مثلاً معاونان سیما آقای بهرامحمدی بود که در شبکه سه موفق بود و معاون انتخاب شد. خانم ابروانی از حوزه صدا جون مدیر موفق یکی، دو شبکه رادیویی بود معاون صدا شد. در حوزه خبر هم می‌گفتم کسی باشد که در این حوزه کار کرده و به‌طور نسبی موفق باشد. در مجموعه بررسی‌ها آقای جبلی را می‌شناختم و در حوزه برون‌مرزی و خبر هم کار کرده بود. برنامه خبر گفت‌وگوی ۲۲:۳۰ که کارش کل کرده بود و از آنجا کنار رفت یا کنارش گذاشتند. در برون‌مرزی مدیر کل اخبار، مدیر دفتر بیروت برای شبکه العالم شد. ایشان دکترایش حوزه مربوط به کار رسانه بود و کار تجربی کرده و در هر دو بخش موفقیت نسبی داشت و من به این دلیل ایشان را برای معاونت خبر انتخاب کردم. اما در مورد اوضاع کنونی، من اوضاع سازمان را خیلی پیچیده و کار ایشان را خیلی مشکل می‌دانم.

حوزه سازمان پیچیده است چون مجموعه دخالت‌ها و درخواست‌ها از سازمان خیلی بیشتر شده و استقلال صداوسیما خیلی کم شده است. چون از طرفِ من صداوسیما علاوه بر وظایف عمومی که هر رسانه در سطح ملی و انحصاری دارد، باید بتواند بین مردم و حاکمیت خوب بالنس ایجاد کند. اگر صداوسیما بتواند این کار سخت را انجام دهد و قدرت اعتماد و استقلال زیاد دارد، آن زمان می‌تواند موفق شود. الان بسیاری از کسانی که در این مجموعه هستند یا سفارش آمده‌اند. در صداوسیما کسانی هستند که ۲۰۱۰ سال کار کرده‌اند و هنوز رابطه قراردادی شان مشخص نیست اما فواری یا سفارش آمده و استخدام رسمی هم شده‌اند و مراحل پیمانی، قراردادی و رسمی را طی نکرده‌اند! این کارها انگیزه نیروها و مدیران داخلی را کم می‌کند. اینکه صداوسیما بتواند نقش این‌چنینی بازی کند، برای نهادهای مختلف مجلس، دولت، قوه قضائیه و بنگاه‌های مالی که خدا می‌داند درونشان چه می‌گذرد که قدرت بنهان عجیبی دارند بتواند نظارت کند که اینها کارشان را درست انجام دهند از طرف دیگر خواسته‌های مردم را با اختلاف سلایق و دیدگاه‌ها و گروه‌های مختلف بتواند متنقل کند. کار خیلی سختی است و اول باید درون خودش را درست کند. اول باید بتواند خودش را مدیریت کند. صداوسیما مثل جزایر پراکنده است. یک سری تصمیم می‌گیرند یک عده را روی آنتن می‌گذارند و برنامه می‌سازند. مدیریت متمرکزی برای چنین تشکیلاتی که در دنیا نمونه‌اش وجود ندارد، خیلی ضعیف است و خیلی زمان نیاز دارد تا بتواند دوباره اعتماد مخاطب را جلب کند و آب رفته را به جوی بازگرداند. بتواند مرجعیت رسانه‌ای پیدا کند. چطور زیر بار مشکلات سازمان است. نکته بعدی اینکه آقای جبلی در حوزه خبر کاملاً وارد است و تجربه دارد، ولی در حوزه‌های فیلم و سریال و مستند و برنامه‌سازی دیگر هم ایشان با باید همان‌طور مسلط باشد یا به کسانی که اعتماد دارد تکیه کند. این کارها در سازمان باید انجام شود تا بگویم می‌تواند موفق شود. یا بحث جایگ‌سازی که خیلی‌ها بحث می‌کنند به‌راحتی انجام نمی‌شود. یک بار در سازمان جایگ‌سازی شده و دو باره به عقب برگشت. اگر قرار باشد همان کارها تکرار شود خیلی سخت است. به‌هرحال امیدوارم ایشان موفق شود و بتواند این نگاه تحولی را که دارد، با انتخاب معاونان درست در این مجموعه و شیوه‌های درست و اولویت‌گذاری‌ها انجام دهد. این‌قدر دوروبر رئیس صداوسیما را شلوغ می‌کنند که اگر خودش دقیق نداند می‌خواهد چه کار کند. مثل جسمی که در سیل راه افتاده بدون اینکه بخواهد شنا کند. ولی باید ظرفیت را ایجاد کند و در این مجموعه از مسائل داخلی سازمان، توقعات بیرونی، نگاه‌های حاکمیتی و مردم، کارهای رسانه در حوزه اطلاع‌رسانی و بازرگانی و اطلاع‌رسانی تصمیم بگیرند.

◀ تا به حال با شما مشورت نکرده‌اند؟

من اعلام آمادگی کرده‌ام! اما هنوز فرصتی فراهم نشده است.

◀ وقتی کتاب «روایت یک استعفا» را نوشتید واکنش‌ها چطور بود؟

به نظر می‌که بیشتر واکنش‌ها مثبت بود. می‌دانم خیلی‌ها کتاب را خوانده‌اند. کسانی که کار رسانه می‌کنند، افغلبشان این کتاب را خوانده‌اند. البته در بخش‌هایی هم آنجه از مسئولان بالا به من رسیده دلخوری‌هایی هست، چون برخی مطالب مطرح شده است.

◀ کجای دنیای یک رسانه برند خودش را تعطیل می‌کند؟

این را باید از خودشان بپرسید. شاید تصور می‌کردند می‌توانند شیهش را درست کنند که خب نتوانستند!

◀ چرا روی این موضوع متمرکز نشدید؟

نه اینکه من متمرکز نشدم. به‌طورکلی در حال بازکردن میدان بودیم. الان نمی‌توانم اسم شخص خاصی را به شما بگویم.

◀ مجلس هم بودجه‌شان را بالا برد.

بله. از صندوق توسعه ملی مبلغی می‌آید. در این سال‌ها به طور متوسط ۱۵۰ میلیون بورو بوده هم بودجه دولت و مجلس اضافه کردند. درصدی از بودجه دستگاه‌های دولتی را به عنوان تبلیغ به صداوسیما می‌دهند که عدد بزرگی است. در بودجه ۱۴۰۰ هم حدود سه هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شد. مجموعه اینها عدد خیلی بزرگی برای سازمان است. ولی منظورم در زمینه بازرگانی است که با وجود اینکه از نظر فرهنگی اشکال دارد و مخاطب را اذیت کرد، اینها باید توضیح دهند. چرا درآمدی که از این حوزه هست، کمتر از اینهاست. در بازرگانی درست است که در بیشتر بستری کسب درآمد اما درآمد خیلی بیشتر است. آثار فرهنگی بدی داشتند در زمینه نه براساس سفارش کسانی که خودشان رشد می‌کنند بتوانند بلا بیایند و استعدادشان را بروز دهند. این افراد هستند. ولی باید ایجاد می‌کنند و با بخت‌آزمایی را؟ اینها تبلیغاتی افغانستد و فریبنده است که منع شده بود. به هر حال امیدوارم به افکار عمومی اقدماتی که اتمام دادهاند را توضیح دهند.

◀ چرا شبکه خبر در راسال خبر اخیر دارد. انگار درعصر یارینه‌سنگی به سر می‌برد؟

یک بخش مربوط به خودشان است که چطور اطلاع‌رسانی کنند که آن هم اشکال دارد. یک بخش مربوط به رسانه‌های نوین است و شنایی که ایجاد شده. اینکه مخاطب خودش کاربری است که تولید محتوا می‌کند، می‌تواند مقایسه کند و تصمیم بگیرد.

و این باعث شده اینها عقب بمانند. عقب‌ماندگی تاریخی که داشت این پنج سال هم اضافه شد. بخشی هم مربوط به تولید محتوای خبر است. اگر خبر سعی کند بی‌طرفی را رعایت کند. البته هیچ رسانه‌ای بی‌طرف نیست ولی ما اعتماد مخاطب را جلب کند. من همیشه می‌گفتم هر خبر دو یا چند طرف دارد و باید مواضع و دیدگاه‌های طرفین را بیاورید. بخش دوم سرعتی است که صداوسیما در سرعت عقب افتاده و تقریباً به ندرت می‌توان خبری را پیدا کرد که اولین بار در صداوسیما پخش شود. عموما در شبکه‌های اجتماعی پخش می‌شود و صداوسیما در ادامه این نقش را دارد که توضیح دهد بخشی از خبرهایی که در شبکه مجازی پخش شده درست نیست.

◀ بیشتر در موضع انفعالی قرار دارد. چرا؟

بخش بزرگی از اخبار مربوط به مسئولان است که من همیشه می‌گفتم باید از این حالت دربیاید که خبر صداوسیما بشود. اظهارات مقام کشور و این حرف‌ها پخش می‌شود. این کار در دنیا مسوخ‌شده است. کارهایی هم که جسارت می‌خواست. البته برای ما، اینها را هم کنار گذاشته‌اند. مثلاً در کار خبری شما باید بسیاری از مسائل را زنده پخش کنید. در دوره خودم در شبکه خبر گفتم مثل کاری که در «بی‌بی‌سی» می‌کردیم مثلاً صحبت رئیس‌جمهور آمریکا را به‌صورت زنده یا ترجمه همزمان پخش کنید. فقط سیدحسن نصرالله را پخش نکنید. بخش صحبت‌های زنده رئیس‌جمهور آمریکا در سی‌ان‌ان خبرساز شده بود که صداوسیما در شبکه داخلی به‌صورت زنده پخش کرد. این کارهاست که اعتماد مخاطب را جلب می‌کند و اینکه از آنچه که دردل و مشکلات مردمی است، گزارش پخش کند و مردم احساس کنند جزیره که موردنیازشان است پخش می‌شود نه آنچه موردنیاز مقامات مسئول و دولت و قوه قضائیه است. مجموعه این اتفاقات اگر باشد، بخش‌های خبر صداوسیما مرجعیت خبری پیدا کنند. وگرنه کم‌رنگ‌تر می‌شود و متأسفانه این اتفاق افتاده است. در حوزه سریال‌سازی. قبلاً شبکه‌های ترکیه‌ای خیلی بازدید داشت. الان خیلی از خانواده‌های مذهبی هم سریال‌های خانگی را می‌بینند و مرجعیت این بخش هم کم‌رنگ شده است. متأسفانه در برابر از جهت داستان و المان‌هایی که مربوط به جذابیت سریال است ضعیف شده که مربوط به کارگردانی، انتخاب هنرپیشگان و سناریو است، گرهی که مخاطب را درگیر کرده و دنبال خودش می‌کند. البته خلوط قرمز هم در این حوزه‌ها آن‌قدر برای کار رسانه زیاد شده که دست کسی که می‌خواهد کار نوپی ارائه کند بسته است و این محدودیت‌ها باعث کاهش انگیزه می‌شود. در حوزه مستند باید کاری‌های خبی شد که بخش‌هایی ادامه پیدا کرد. باید تک‌تک درموردشان صحبت کرد.

◀ درباره آقای فردوسی‌پور چطور؟

در دوره ما فشار برای تعطیلی برنامه ۹۰ بود. منتها مجموعه تصمیمات این بود که این کار انجام نشود. اما به نظرم در دوره بعد خواستند مدیر مجموعه شبکه ۳ خودش را نشان دهد و او هم کمک کرده که این برنامه تعطیل نشود.

◀ کجای دنیای یک رسانه برند خودش را تعطیل می‌کند؟

این را باید از خودشان بپرسید. شاید تصور می‌کردند می‌توانند شیهش را درست کنند که خب نتوانستند!

◀ سرفردوسی‌پور چه خطری برای صداوسیما داشت؟

هیچ خطری. اینکه در توجه نخصصی خودش در همان چارچوب کار کند. تهیه‌کننده، مجری و برنامه‌ساز موفق است و چون او توقع موفقیت و برنامه‌ساز خلق شد، یک جور عقده برای کسانی که سال‌ها این برنامه را دنبال می‌کردند، تبدیل شده است.

◀ البته آقای جبلی گفته‌اند ممکن است برنامه ایشان برگردد.

این یکی از مشکلات نظام حکمرانی ماست که خیلی راحت پیادهشان می‌کنند. خیلی افراد به‌راحتی حذف شده و کنار گذاشته می‌شوند. این کار اشتباه است. چون انگیزه‌ها کم و افراد به‌دردبخور کم می‌شوند. مهال به دست افراد متظاهر و صعیف‌تر می‌افتد.

◀ در زمان شما روی برندسازی خبرنگاران کار شد؟

زمانی که در برون‌مرزی و پرس‌تی‌وی بودم افرادی بودند که بروز بودند.

◀ آقا خارج از کشور بودند و ما خروجی این را در داخل نمی‌دیدیم!

در داخل خبرنگارانی هستند که بالقوه این توان را داشته باشند اما به نظرم شرایطی به وجود نیامده که اینها بروز کنند. آقای نجف‌زاده خبرنگار آقای ضرغامی بود و از چنان که می‌خواست انجام اجرایی می‌دادند کار کند خیلی بهتر بود. الان هم محدودیت‌های مختلفی در کاران دارد و با هر کسی در نیویورک نمی‌تواند گفت‌وگو کند. چند نفر بودند که مستقیم با آنها برخورد داشتم که متوجه خبر می‌شدند و توانش را هم داشتند و در حال میدان پیدا کردن بودند؛ اما الان چنین اتفاقی اتفاقیه ندارند. هم میدانی باز نمی‌کنند که بتوانند توانایی‌شان را نشان دهند. ممکن است خ